

# حقوق مدنی

ویژه دانشجویان رشته حقوق ، الهیات و معارف اسلامی و داوطلبان آزمونهای ورودی

## کارشناسی ارشد ، دکتری ، وکالت ، قضاوت و سردفتری اسناد رسمی

شامل درس

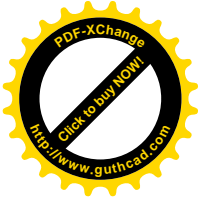
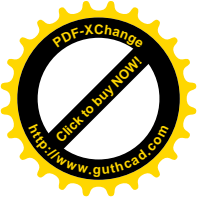
نکته

تست

**مؤلف: الهه جمشیدی**

ویراست چهارم

(زمستان ۹۶)

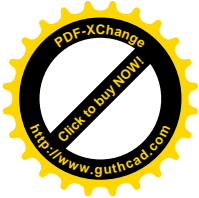


## حقوق مدنی

## الهه جمشیدی

نظارت : ..... مهندس شهرام کرمی و مهندس علی اکبر نکوفر  
مسئول فنی : ..... لیلا بعاج زاده  
طرح جلد : ..... مریم مظفری  
قیمت : ..... ۴۵۰۰۰ تومان

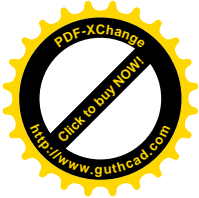
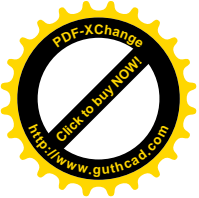
آدرس : شیراز - مؤسسه آموزش عالی آزاد فاضل  
تلفن : ۰۷۱-۳۲۳۵۳۰۱۶ / ۰۷۱-۳۲۳۵۹۹۰۲



دانشجوی گرامی

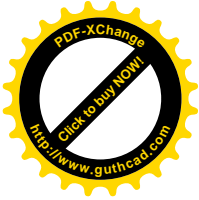
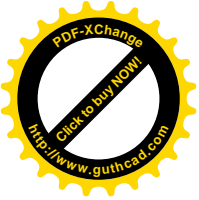
حضور در کلاس‌های موسسه فاضل بدلیل حل مسائل متنوع، ارتباط زنده و دو طرفه بین دانشجو و استاد، قرار گرفتن در جو کنکور، ایجاد انگیزه رقابت، رفع اشکالات دانشجو و آزمون‌های کلاسی که ضمن آن از میزان آمادگی خود مطلع می‌شوید انتخابی است که نمی‌توان آنرا با مطالعه یک یا چند کتاب مقایسه کرد.

**شرکت در کنکورهای هماهنگ کشوری موسسه فاضل به شما این امکان را می‌دهد که جایگاه واقعی خود را در رتبه بندی کشوری بیابید چرا که علاج واقعه قبل از وقوع باید کرد.**



## مزایای استفاده از این کتاب:

- بررسی جامع و کامل و تشریح مواد قانون مدنی همراه با متن مواد
- بررسی جامع و کامل قوانین خاص همراه با متن مواد
- ارائه نکات در قالب نمودار و جدول
- نمونه تست های کنکورهای سال های گذشته و تالیفی تحت عنوان بیازماییم در آخر هر مبحث

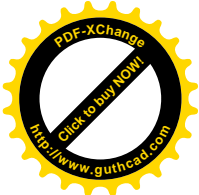


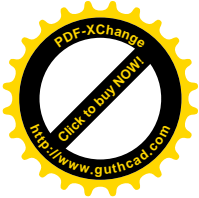
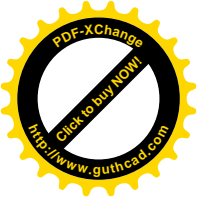
## پیش گفتار

کتاب حاضر تجربه سال ها مطالعه، تحقیق و بررسی تمام کتب مرجع، در حقوق مدنی و ماه ها گردآوری و نگارش مطالب آن می باشد. در این کتاب علاوه بر شرحی کامل و جامع از مواد قانون مدنی، به قوانین خاص مربوطه به صورت تفصیلی و آرای وحدت رویه نیز اشاره شده است. بدین صورت که نیاز استفاده کنندگان را از جست و جو و رجوع به سایر قوانین بر طرف می نماید.

این کتاب مشتمل بر دو جلد می باشد: که جلد اول آن شامل مباحث حقوق مدنی یک (اشخاص و محجورین)، حقوق مدنی دو (اموال و مالکیت)، حقوق مدنی سه (قواعد عمومی قراردادها)، حقوق مدنی چهار (الزامات خارج از قرارداد) و حقوق مدنی پنج (نکاح و طلاق) بوده و جلد دوم آن شامل مباحث، حقوق مدنی شش و هفت (خيارات و عقود معین)، حقوق مدنی هشت (شفعه، وصیت، ارث) و ادله اثبات دعوا می باشد.

روش مورد استفاده در این کتاب بدین صورت است که ابتدا تفصیلی از درس ارائه و سپس مطالب بیان شده در قالب نکته، نمودار و به زبان ساده با بررسی مواد به صورت جداگانه، تبیین گردیده است. در آخر هر مبحث، نمونه تست هایی تحت عنوان بیازماییم آمده است که این تست ها بعضا از کنکورهای سال های گذشته جمع آوری شده و تعدادی نیز به صورت تالیفی تدوین گردیده است.

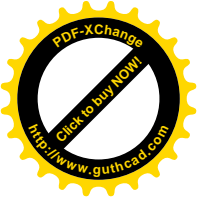




## فهرست مطالب

### فصل اول:

اشخاص و محجورین	۱
اموال و مالکیت	۱۴
انواع مال و حق	۱۵
حقوق اشخاص نسبت به اموال	۳۲
وقف	۴۲
حق ارتفاق	۴۹
قواعد عمومی قراردادها	۵۳
کلیات و معرفی ایقاع و عقد	۵۴
شرایط اساسی صحت معاملات	۶۲
اثر معاملات	۷۹
شروط ضمن عقد	۸۷
معامله فضولی	۹۷
سقوط تعهدات	۱۰۵
الزامات خارج از قرارداد	۱۲۵
کلیات	۱۲۶
غصب	۱۲۹
اتلاف	۱۳۸
تسبیب	۱۳۸
استیفا	۱۴۰



۱۴۶	..... نکاح و طلاق
۱۴۷	..... کلیات
۱۵۰	..... موانع نکاح
۱۵۲	..... شرایط صحت نکاح
۱۵۳	..... وکالت در نکاح
۱۵۴	..... نکاح منقطع
۱۵۷	..... مهر
۱۶۰	..... حقوق و تکالیف زوجین
۱۶۳	..... انحلال نکاح
۱۶۸	..... عده

## فصل دوم

۱۷۲	..... خیارات
۱۷۳	..... خیار مجلس
۱۷۴	..... خیار حیوان
۱۷۴	..... خیار شرط
۱۷۵	..... خیار تاخیر ثمن
۱۷۷	..... خیار رویت و تخلف وصف
۱۷۹	..... خیار غبن
۱۸۰	..... خیار عیب
۱۸۵	..... خیار تدلیس
۱۸۷	..... خیار تبعض صفقه



ماده ۵۷ واقف باید مالک مالی باشد که وقف می کند و به علاوه دارای اهلیتی باشد که در معاملات، معتبر است.

ماده ۵۸ فقط وقف مالی جایز است که با بقای عین بتوان از آن منتفع شد اعم از این که منقول باشد یا غیرمنقول، مشاع باشد یا مفروز.

ماده ۶۴ مالی را که منافع آن موقتاً متعلق به دیگری است می توان وقف نمود و همچنین وقف ملکی که در آن، حق ارتفاق موجود است، جایز است بدون این که به حق مزبور خللی وارد آید.

#### ❖ ❖ یک مقایسه ❖ ❖

در وقف ❖❖ اگر موقوف علیهم غیر محصور باشند حاکم قبول می کند  
در وصیت ❖❖ اگر موصی لهم غیر محصور باشند قبول شرط نیست

باید مالک مالی باشد که وقف می کند

#### شرایط مالک در وقف

اهلیت لازم برای انجام معاملات را داشته باشد

ویژگی مال مورد وقف ❖❖ مالی را می توان وقف نمود که با بقای عین بتوان از آن منتفع شد اعم از این که منقول باشد یا غیرمنقول، مشاع باشد یا مفروز یا حتی مالی که منافع آن موقتاً متعلق به دیگری است و یا ملکی که در آن حق ارتفاق وجود دارد.

ماده ۶۰ در قبض، فوریت شرط نیست بلکه مادامی که واقف رجوع از وقف نکرده است هر وقت قبض بدهد وقف تمام می شود.

ماده ۶۱ وقف، بعد از وقوع آن به نحو صحت و حصول قبض، لازم است و واقف نمی تواند از آن رجوع کند یا در آن تغییری بدهد یا از موقوف علیهم کسی را خارج کند یا کسی را داخل در موقوف علیهم نماید یا با آن ها شریک کند یا اگر در ضمن عقد متولی معین نکرده بعد از آن متولی قرار دهد یا خود به عنوان تولیت دخالت کند.

#### اثر قبض در وقف:

۱. قبض شرط صحت عقد وقف است فلذا اگر واقف پیش از قبض فوت نماید وقف باطل می گردد.
۲. مالی که قابل قبض و اقباض نیست قابل وقف هم نیست.
۳. مرگ طبقه اول از موقوف علیهم پیش از قبض باعث بطلان وقف نمی شود

م ۸۰۴ ق.م. (در مورد هبه) در صورت رجوع از هبه  
 } منافع متصل متعلق به واهب  
 منافع منفصل متعلق به متهب

م ۸۱۹ ق.م. (در مورد اخذ به شفعه)  
 } منافع متصل متعلق به شفیع  
 منافع منفصل متعلق به مشتری

**ماده ۲۸۸** گر مالک بعد از عقد، در مورد معامله تصرفاتی کند که موجب ازدیاد قیمت آن شود، در حین اقاله به مقدار قیمتی که به سبب عمل او زیاد شده است مستحق خواهد بود.

❖ فرض این ماده در جایی است که مثلاً الف باغش را به ب فروخته به مبلغ ۱۰۰ میلیون تومان، بعد از یکسال تصمیم به اقاله می گیرند. در این یکسال ب کارهایی روی باغ انجام داده که وضع باغ بهتر شده است. مثلاً حصار کشیده، چاه زده و ... در هنگام اقاله باغ با همین وضع خوبی که دارد به الف بر میگردد. اما ب می تواند هزینه هایی را که برای باغ کرده نقداً از الف بگیرد.

❖ دقت کنید. در قالب مثال توضیح داده می شود:

ب باغ را ۱۰۰ میلیون تومان خرید، ۳۰ میلیون تومان هزینه باغ کرد اما ۵۰ تومان به قیمت باغ افزوده شد. در هنگام اقاله ب مستحق ۵۰ تومان قیمتی است که به باغ اضافه شده نه ۳۰ تومانی که خرج نموده است.

اما اگر ب ۳۰ میلیون تومان هزینه باغ کرد، ۵۰ تومان به قیمت باغ افزوده شد. ۴۰ میلیون تومان هم در اثر نوسانات بازار به قیمت باغ افزوده شد یا از قیمت باغ کم شد باز ب مستحق ۵۰ تومان است. چون این مبلغ در اثر زحمت و کاری که ب در باغ کشیده ایجاد گردیده است. یعنی همان مقداری که به سبب عمل شخص بر مال افزوده شده.

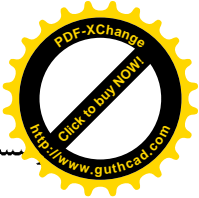
**ج - ابرا (مواد ۲۸۹ تا ۲۹۱ ق.م.)**

**ماده ۲۸۹** ابرا عبارت از این است که دائن از حق خود به اختیار صرف نظر نماید.

**نکته:** ابرا نوعی عمل حقوقی یک طرفه یا ایقاع است برای اسقاط حق دینی. ابرا صرفنظر کردن دائن (طلبکار) از حق خود به اختیار است.

**نکته:** ابرا عمل حقوقی تبعی است، بدین معنا که اعتبار آن تابع وجود دین است. ابرا یک ایقاع تبعی است.

در مورد عقود تبعی می توان به ضمان، حواله، کفالت و رهن اشاره نمود.



👉 **توجه داشته باشید:**

هر غاصب برای رجوع به غاصبین بعدی خود برای گرفتن منافع به اندازه منافع زمان تصرف خودش می تواند رجوع کند مثلا از غاصب دوم فقط یک ماه زمان تصرف خود غاصب دوم را می تواند بگیرد. از غاصب دوم منافع زمان تصرف سوم و چهارم و پنجم را نمی تواند بگیرد. اما مالک می تواند اگر به غاصب دوم رجوع کرد منافع زمان تصرف او و بعدی هایش را بگیرد. این حق برای مالک است نه غاصب.

**ماده ۳۲۱** هر گاه مالک، ذمه‌ی یکی از غاصبین را نسبت به مثل یا قیمت مال مغضوب ابرا کند حق رجوع به غاصبین دیگر نخواهد داشت ولی اگر حق خود را به یکی از آنان به نحوی از انحا انتقال دهد آن کس قائم‌مقام مالک می‌شود و دارای همان حقی خواهد بود که مالک دارا بوده است.

ابرا ذمه‌ی یکی از غاصبین را نسبت به مثل یا قیمت مال مغضوب ﴿۳﴾ سقوط دین انتقال حق خود به یکی از غاصبین ﴿۳﴾ غاصب می شود منتقل الیه و حق رجوع به غاصبین دیگر را دارد.

غاصب اول ﴿۴﴾ غاصب دوم ﴿۴﴾ غاصب سوم ﴿۴﴾ غاصب چهارم ﴿۴﴾ غاصب پنجم  
اگر مال در دست غاصب پنجم تلف شود، همان طور که قبلا هم گفته شد او مدیون اصلی است و ایادی ماقبل ضامن هستند.

چند حالت را بررسی می نماییم:

۱. اگر مالک یکی از این پنج نفر را ابرا کند. همه بری می شوند. در ماده ۳۲۱ آمده است " هر گاه مالک، ذمه‌ی یکی از غاصبین را نسبت به مثل یا قیمت مال مغضوب ابرا کند حق رجوع به غاصبین دیگر نخواهد داشت."

لازم نیست ابرای مالک حتما خطاب به مدیون اصلی باشد همین که مالک ذمه یکی از غاصبین را ابرا نمود، مانند آن است که مدیون را ابرا نموده باشد. پس دیگر نمی تواند به بقیه رجوع کند. زیرا ابرا اسقاط حق دینی بوده و بدین معناست که دائن از طلب خود صرف نظر نموده است.

۲. اگر مالک کسی را ابرا نکند، بلکه حق رجوع خود از یکی از ضامنین را اسقاط نماید. بدین معنا که خطاب به یکی از غاصبین حق رجوع به او را ساقط کند. مثلا سراغ غاصب سوم رفته و خطاب به او حق رجوع خویش را ساقط کند در این حالت فقط همان غاصب سوم که مورد خطاب واقع شده در برابر مالک بری می شود و بقیه غاصبین همچنان در برابر مالک مسئول هستند.

۳. در حالت دیگر ممکن است مالک نه کسی را ابرا نماید و نه حق رجوع خویش را ساقط کند بلکه حق خود را به یکی از ضامن ها (غاصب اول تا چهارم) انتقال دهد. بدین صورت که مالک، نزد غاصب سوم برود و حق خویش را به وی انتقال دهد، در این حالت غاصب سوم قائم مقام خاص (منتقل الیه) مالک شده و همان حقی را خواهد داشت که مالک داشته، یعنی حق رجوع به غاصبین را دارد.

- در صورت انحلال نکاح به موجب طلاق رجعی، زوجه تا پایان مدت عده مستحق نفقه خواهد بود، مگر آن که طلاق در حال نشوز واقع شده باشد.

**نکته:** در صورت وقوع طلاق بر مبنای غایب مفقود الاثر بودن زوج (م ۱۰۲۹ ق.م.ا)، اگر چه زوجه باید عده وفات نگه دارد. اما از آن جا که طلاق وی، رجعی است. در ایام عده مستحق نفقه خواهد بود.

**نکته:** در صورت امتناع زوج از پرداخت نفقه، زوجه می تواند اجبار وی به پرداخت را از دادگاه درخواست نماید (دادخواست حقوقی) یا شکایت ترک انفاق (شکایت کیفری) را مطرح کند. علاوه بر این، در صورت استنکاف زوج از پرداخت نفقه و عدم امکان اجبار وی به اجرای حکم و یا عجز از پرداخت نفقه، زن می تواند از دادگاه درخواست طلاق نماید.

**نکته:** نفقه زوجه هیچ ارتباطی با تمکن مالی زوج ندارد و در نکاح دائم نفقه زوجه در هر حال به عهده زوج است. بر خلاف نفقه اقارب در م ۱۱۹۸ ق.م.ا که لزوم نفقه ایشان به تمکن و دارایی منفق بستگی دارد.

### محل سکونت زوجین:

اصولا تعیین محل سکونت زوجین در اختیار زوج است. استثنائا در موارد زیر زوجه می تواند مسکن جداگانه داشته باشد:

- حق تعیین محل سکونت در عقد یا پس از آن به زوجه داده شده باشد.
- دادگاه به زوجه اختیار و اجازه تعیین مسکن جداگانه را داده باشد.

**نکته:** زن از حیث اداره اموال و دارایی خویش مستقل است و برای تصرف در این اموال نیازی به اذن شوهر ندارد.

**نکته:** طرفین عقد ازدواج می توانند هر شرطی را که مخالف با مقتضای این عقد یا قوانین آمره نباشد، در ضمن عقد نکاح مقرر کنند. مانند این که زوجه وکیل باشد تا با اثبات شرایطی خاص از قبیل، ترک انفاق، سو رفتار زوج، غیبت او و ... از طریق مراجعه به دادگاه خود را مطلقه نماید.

**نکته:** امکان منع همسر از اشتغال به شغل منافی با مصالح یا حیثیات خانوادگی، از حقوق مشترک بین زوجین می باشد، لیکن در فرضی که زوجه متقاضی منع زوج از شغل معینی است علاوه بر این که باید منافات شغل را با مصالح یا حیثیات خانوادگی ثابت کند، لازم است ممانعت از اشتغال زوج موجب اخلال در تامین معاش خانوادگی نگردد.

### بیشتر بدانید:

سوال: اگر عملیات فریبنده بر روی مورد معامله صورت گرفته باشد به نحوی که طرف معامله را از جهت جنس یا ماهیت مورد معامله به اشتباه بیاندازد. در این صورت وضعیت عقد چگونه است؟  
پاسخ: اگرچه تدلیس موجب خیار است لیکن خیار در فرضی است که عقد صحیح باشد. در این جا چون در نتیجه تدلیس اشتباه در خود موضوع معامله رخ داده بنابراین عقد باطل است و دیگر بحث خیار موضوعاً منتفی است.

#### ۹- خیار تبعض صفقه (مواد ۴۴۱ تا ۴۴۳ ق.م.)

این خیار در فرضی ایجاد می شود که عقد نسبت به قسمتی از مبیع به علتی باطل باشد و مشتری در حین عقد بر این امر جاهل باشد.  
این خیار در فرضی هم که عقد نسبت به قسمتی از مبیع منفسخ می گردد (مانند تلف قسمتی از مبیع قبل از تسلیم)، برای مشتری نسبت به قسمت باقیمانده ایجاد می گردد.

**ماده ۴۴۱** خیار تبعض صفقه وقتی حاصل می شود که عقد بیع نسبت به بعض مبیع به جهتی از جهات باطل باشد در این صورت مشتری حق خواهد داشت بیع را فسخ نماید یا به نسبت قسمتی که بیع واقع شده است قبول کند و نسبت به قسمتی که بیع باطل بوده است ثمن را استرداد کند.

♦ خیار تبعض صفقه مخصوص عین معین نیست، و در عین کلی نیز راه دارد.

♦ این خیار تنها در مورد مبیع نیست، اگر قسمتی از ثمن نیز باطل باشد خیار ایجاد می گردد.

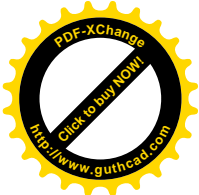
♦ این خیار در هر عقد لازم معوضی کاربرد دارد و تنها مختص بیع نیست.

**نکته:** در فرضی که بطلان قسمتی از عقد معلوم شده باشد و خیار تبعض صفقه ایجاد می شود، مشتری می تواند عقد را در قسمت صحیح نگه داشته و قسمتی از ثمن که مربوط به معامله باطل بوده را مطالبه نماید یا عقد را در قسمت صحیح فسخ نموده و تمام ثمن را مسترد دارد.

**نکته:** فسخ معامله منوط به جهل مشتری بر بطلان قسمتی از عقد است. اما تقسیط ثمن (مطالبه قسمتی از ثمن با حفظ عقد در قسمت صحیح) در هر حال امکان پذیر است اعم از این که مشتری بر بطلان قسمتی از عقد عالم و یا جاهل بوده باشد.

**ماده ۴۴۲** در مورد تبعض صفقه قسمتی از ثمن که باید به مشتری برگردد به طریق ذیل حساب می شود:

آن قسمت از مبیع که به ملکیت مشتری قرار گرفته منفرداً قیمت می شود و هر نسبتی که بین قیمت مزبور و قیمتی که مجموع مبیع در حال اجتماع دارد پیدا شود به همان نسبت از ثمن را بایع نگاه داشته و بقیه را باید به مشتری رد نماید.



باشد اما بعدا به هنگام پرداخت از مکفول اذن بگیرد. عمل وی ماهیتا نوعی پرداخت دین از جانب غیر مدیون است و چون اذن در پرداخت تحصیل نموده حق مراجعه به مکفول را خواهد داشت.

نکته: چنان چه، کفیل در انعقاد ضمان، اذن داشته باشد، تعهد اولیه او احضار مکفول است. و زمانی باید دین را پرداخت نماید که قادر بر احضار مکفول نباشد. لذا در فرضی که با وجود امکان احضار مکفول، کفیل به میل خود طلب مکفول را بپردازد حق مراجعه به مکفول را نخواهد داشت.

### بیازماییم:

۱- در کدام مورد کفیل بری می شود؟ (مشاوران ۸۸)

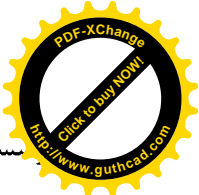
۱. فوت کفیل      ۲. فوت مکفول      ۳. فوت مکفول له      ۴. هیچ کدام

گزینه ۲ صحیح است.

۲- کدام گزینه صحیح است؟ (مشاوران ۸۵)

۱. فوت مکفول موجب براءت کفیل نمی شود.  
۲. صلح دعوا ناشی از بطلان معامله، باطل است.  
۳. حق شفعه در صلح نیست مگر آن که در مقام بیع باشد.  
۴. اگر کسی مالی را به عنوان صدقه به دیگری بدهد، حق رجوع دارد.

گزینه ۱ صحیح است.



منافع منفصل، در فاصله عقد تا رجوع، متعلق به متهب است. زیرا در این فاصله، او مالک بوده است. نکته: اگر در اثر عمل متهب، در عین موهوبه، فزونی قیمت حاصل شده باشد، و سپس واهب از هبه رجوع نماید، متهب مستحق دریافت فزونی قیمت ناشی از عمل خویش خواهد بود.

**ماده ۸۰۵ بعد از فوت واهب یا متهب رجوع ممکن نیست.**

♦ فوت یکی از طرفین بعد از قبض، نه تنها اثری در هبه ندارد و موجب انفساخ آن نمی شود، بلکه پس از فوت رجوع از هبه ممکن نخواهد بود. به این ترتیب، هبه را نمی توان در زمره عقود جایز دانست.

❁ با این وجود، حجر واهب یا متهب مانع از رجوع نیست، لیکن در فرض حجر واهب، رجوع از سوی قیم امکان پذیر نیست زیرا رجوع یک امر شخصی بوده و فقط از سوی شخص واهب (پس از رفع حجر)، ممکن است.

**ماده ۸۰۶ هر گاه داین طلب خود را به مدیون ببخشد حق رجوع ندارد.**

♦ هبه طلب به مدیون، صحیح است. بنابراین هبه مال کلی نیز اشکالی ندارد. زیرا طلب یک مال کلی است که بر ذمه قرار می گیرد. هبه طلب به مدیون، بر خلاف ابراء، عقد است و بنابراین نیاز به قبول مدیون دارد.

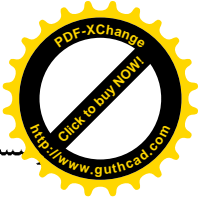
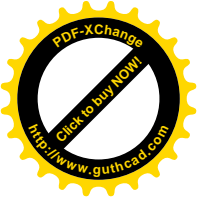
با وقوع هبه طلب به مدیون، اجتماع دو صفت دائن و مدیون در شخص واحد (مالکیت ما فی الذمه) رخ داده و دین ساقط می گردد.

از آن جا که با تحقق این نوع هبه، مالکیت ما فی الذمه رخ می دهد و دین ساقط می گردد، بنابراین مال موهوبه از بین رفته و دیگر باقی نیست تا بتوان از هبه رجوع نمود.

♦ هبه طلب می تواند به شخص مدیون صورت پذیرد یا به شخص ثالثی، در هبه طلب به شخص ثالث، برای قبض کافی است که اسناد طلب در اختیار منتقل الیه قرار داده شود. به عبارت دیگر، در این جا قبض عرفی و معنوی موضوع هبه امکان پذیر است.

**ماده ۸۰۷ اگر کسی مالی را به عنوان صدقه به دیگری بدهد حق رجوع ندارد.**

♦ صدقه قابل رجوع نیست، زیرا با صدقه دادن شخص به نوعی تعهد طبیعی یا دین وجدانی خویش را ادا نموده و تعهد طبیعی اگر با میل ادا شود (م ۲۶۶ ق.م.)، امکان استرداد آن وجود ندارد.



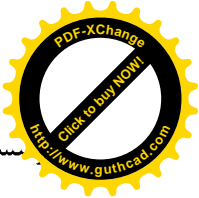
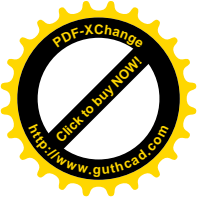
حالات مختلف اجتماع اجداد و كلاله:

- جد ابي + يك برادر ابويني يا بيشر ⇐ تقسيم كل تركه به تساوي و به قرابت
- جد ابي + يك خواهر ابويني يا بيشر ⇐ تقسيم كل تركه به قرابت، ذكور دو برابر اناث
- جده ابي + يك برادر ابويني يا بيشر ⇐ تقسيم كل تركه به قرابت، ذكور دو برابر اناث
- جده ابي + يك خواهر ابويني يا بيشر ⇐ تقسيم كل تركه به تساوي و به قرابت
- جد يا جده ابي + كلاله امي واحد ⇐ 1/6 سهم كلاله و مابقي تركه به قرابت سهم اجداد
- جد يا جده ابي + كلاله امي متعدد ⇐ 1/3 سهم كلاله بالسويه و مابقي تركه به قرابت سهم اجداد
- جد يا جده امي يا هر دو + يك برادر ابويني يا بيشر ⇐ 1/3 سهم كلاله و مابقي تركه به قرابت سهم اجداد
- جد يا جده امي يا هر دو + يك خواهر ابويني ⇐ 1/3 سهم اجداد امي و 1/2 سهم خواهر $1/2 + 1/3 = 5/6 \left[ \begin{array}{l} \text{بقيه سهم خواهر } 5/6 \div 1/2 = 3/5 \\ \text{بقيه سهم اجداد } 5/6 \div 1/3 = 2/5 \end{array} \right.$
- جد يا جده امي يا هر دو + چند خواهر ابويني ⇐ 1/3 سهم اجداد امي و 2/3 سهم خواهران (بالفرض)
- جد يا جده امي يا هر دو + كلاله امي واحد يا متعدد ⇐ همگي فرض بر و به تساوي $\begin{array}{ccc} \Downarrow & \Downarrow & \Downarrow \\ 1/3 & 1/6 & 1/3 \end{array}$
- جد يا جده امي يا هر دو + كلاله امي + چند خواهر ابويني ⇐ ⇐ $\begin{array}{ccc} \Downarrow & & \Downarrow \\ 1/3 & \text{به فرض و مابقي به رد} & 1/2 \text{ به فرض و مابقي به رد} \end{array}$
- اجداد ابي + كلاله ابويني + كلاله امي واحد ⇐ ⇐ $\begin{array}{cc} \Downarrow & \Downarrow \\ \text{مابقي ذكور دو برابر اناث} & 1/6 \text{ به فرض} \end{array}$
- اجداد ابي + كلاله ابويني + كلاله امي متعدد ⇐ ⇐ $\begin{array}{cc} \Downarrow & \Downarrow \\ \text{مابقي بالنسبت} & 1/3 \text{ به فرض} \end{array}$
- اجداد ابي + كلاله ابويني + اجداد امي + كلاله امي ⇐ ⇐ $\begin{array}{cc} \Downarrow & \Downarrow \\ 2/3 \text{ بالنسبت} & 1/3 \text{ بالسويه} \end{array}$



بیازماییم:

- ۱- منظور از اعمام و احوال در طبقه سوم وراث چیست؟
۱. اعمام و احوال خود متوفی
  ۲. اعمام و احوال خود متوفی و اعمام و احوال عموها و عمه ها و دایی ها و خاله های متوفی
  ۳. اعمام و احوال خود متوفی و اعمام و احوال پدر و مادر متوفی
  ۴. اعمام و احوال خود متوفی و اعمام و احوال پدر و مادر متوفی و احوال اجداد متوفی
- ۲- اگر مادر و فرزندی، یکی در قضیه هدم و دیگری در قضیه غرق بمیرند و تاریخ موت فرزند، معلوم اما تاریخ موت مادر مجهول باشد، در این صورت ... (آزاد ۸۹)
۱. هیچ کدام از یکدیگر ارث نمی برند
  ۲. هر دو از هم ارث می برند
  ۳. فرزند از مادر ارث می برد
  ۴. مادر از فرزند ارث می برد.
- ۳- زوج به همسر خود نسبت زنا داده است و نیز فرزند را از خود نفی کرده است و بر ارتکاب زنا بینة اقامه نموده است. اثر حقوقی این اثبات چیست؟ (سراسری ۸۸)
۱. اسقاط حد قذف و قطع رابطه توارث میان پدر و فرزند
  ۲. اسقاط حد قذف
  ۳. قطع رابطه توارث میان پدر و فرزند
  ۴. اسقاط حد قذف و قطع رابطه توارث میان زن و شوهر و پدر و فرزند
- ۴- چنان چه وراثت یک متوفی عبارت از پدر، مادر و یک دختر باشد، الباقی ترکه پس از کسر سهام فرضی هر یک، چگونه تقسیم می شود؟ (آزاد ۸۵)
۱. سه پنجم به دختر و یک پنجم به هر کدام از والدین داده می شود.
  ۲. سه پنجم به پدر و مادر و یک پنجم به دختر داده می شود.
  ۳. یک دوم به دختر، یک ششم به پدر و یک ششم نیز به مادر داده می شود.
  ۴. یک دوم به دختر و یک دوم نیز به پدر و مادر داده می شود.
- ۵- چنان چه وراثت متوفی عبارت باشند از: سه برادر امی، دو برادر ابی، جده ابی، جد امی، زوجه، در خصوص سهم الارث اصناف وراثت، کدام گزینه صحیح است؟ (آزاد ۸۷)
۱. یک سوم، دو سوم، یک ششم، یک چهارم
  ۲. یک سوم، یک چهارم، پنج دوازدهم
  ۳. یک ششم، دو سوم، یک ششم، یک چهارم
  ۴. یک سوم، دو سوم، یک ششم
- ۶- چنان چه وراثت متوفی عبارت باشند از: جد ابی، جده ابی، اخوه ابی متعدد، یک خواهر ابوینی، یک خواهر امی، و جد امی؛ با توجه به مبانی وراثت، کدام یک از گزینه های ذیل، در خصوص سهم الارث اصناف وراثت درست است؟ (آزاد ۸۹)



بیازماییم:

۱- اقرار سفیه در دعوی راجع به نسب و دعوی راجع به معاملات .... (وکالت ۸۸)

۱. در مورد اول و دوم موثر و در مورد دوم بی اثر است.

۲. در هر دو مورد بی اثر است و موثر نیست.

۳. در هر دو مورد موثر است.

۴. در مورد اول بی اثر و در دومی موثر است.

گزینه ۱ صحیح است.

۲- در مورد اقرار ..... (آزاد ۸۹)

۱. می تواند معلق باشد.

۲. در مقررله اهلیت شرط است.

۳. اقرار مفلس و ورشکسته مطلقا باطل است. ۴. باید منجز بوده والا باطل است.

گزینه ۴ صحیح است.

۳- چک صادره از طرف یک شرکت دولتی .... (وکالت ۸۲)

۱. سند رسمی است.

۲. سند عادی است.

۳. سند رسمی و لازم الاجراست.

۴. به شرطی رسمی است که طبق قانون و توسط مقام صلاحیتدار، صادر شده باشد.

گزینه ۲ صحیح است.

۴- آیا تاریخ سند در برابر اشخاص ثالث نیز قابل استناد است؟ (وکالت ۸۳)

۱. تاریخ سند در صورتی در برابر اشخاص ثالث اعتبار دارد که درستی آن در دادگاه احراز شود.

۲. در مورد اسناد رسمی، تاریخ سند در برابر اشخاص ثالث، معتبر است و در اسناد عادی، اعتبار ندارد.

۳. اعتبار تاریخ سند، مانند مفاد آن نسبی است و در برابر اشخاص ثالث، اعتباری ندارد.

۴. تاریخ سند مانند مفاد آن نسبی است و در برابر اشخاص ثالث، اعتباری ندارد.

گزینه ۲ صحیح است.

۵- سن شهادت در حقوق مدنی ایران ..... است؟ (آزاد ۸۹)

۱. سن بلوغ ۲. سن بلوغ و رشد ۳. پانزده سال ۴. پسر، پانزده سال و دختر، نه سال

گزینه ۳ صحیح است.

۶- مبنای اماره ..... است. (سردفتری ۸۲)

۱. قاعده ید ۲. قاعده غلبه

۳. اصل احتیاط

۴. اصل استصحاب

گزینه ۲ صحیح است.